

ریخت‌شناسی چیستان‌های منظوم محلی

حسن ذوالفقاری*

(تاریخ دریافت: ۹۲/۵/۲، تاریخ پذیرش: ۹۲/۷/۱۶)

چکیده

یکی از گونه‌های ادبی در ادب رسمی و فرهنگ مردم ایران چیستان است. چیستان نوعی تفنن ادبی است که جز کارکرد سرگرم‌کننده، جنبه‌های آموزشی و فرهنگی دیگری نیز دارد. این گونه ادبی در ادبیات محلی مناطق مختلف ایران از تنوع فراوانی برخوردار است و با نام‌هایی مانند چیزچیزک، متلوکه، واگوشک، تشنگوک، چاچاک، چنجن، چوچه، چی‌چی‌کی، چاوچه، ماتال، مسئله، تاپماجالار و نظایر آن شناخته می‌شود. در این مقاله به بررسی ابعاد ادبی و هنری و درون‌مایه‌های چیستان می‌پردازیم و ضمن شکل‌شناسی و ساختاریابی صوری و معنایی آن در مناطق مختلف، انواع و کارکردها و مضامین آنها را بررسی و تحلیل می‌کنیم. گونه‌شناسی این نوع ادبی در فرهنگ عامه، ما را با تنوع در بهره‌گیری از اوقات فراغت و چگونگی آمادگی ذهنی و تربیت کودکان و جوانان برای ورود به عرصه زندگی آشنا می‌کند.

واژه‌های کلیدی: چیستان، چیستان‌های محلی، انواع چیستان، فرهنگ عامه، ریخت‌شناسی.

* Zolfagari_hasan@yahoo.com

دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس

۱. مقدمه

فرهنگ عامه شامل دو بخش کلی دانش عامه و ادب عامه است. فرهنگ عامه از یک سو با انسان‌شناسی و از سوی دیگر با ادبیات مرتبط است. آداب، معتقدات، جشن‌ها، باورها و مانند این‌ها به انسان‌شناسی، و افسانه‌ها، اسطوره‌ها، قصه‌ها، ترانه‌ها، تصنیف‌ها، چیستان‌ها، امثال و حکم و مانند این‌ها به ادبیات مربوط است. هریک از اجزای فرهنگ عامه روحیات، خلقيات و آرزوهای هر ملتی را بازتاب می‌دهد و برگرفته از اعماق جامعه است. با بررسی و واکاوی فرهنگ عامه به مسائلی که در فرهنگ رسمی به آسانی شناسایی نمی‌شوند، پس می‌بریم؛ از همین‌رو تعبیر «فرهنگ غیررسمی» نیز برای آن به کارگرفته می‌شود. به همین دلیل، مطالعه هر جامعه‌ای آن‌گاه ثمریخش است و به نتیجه‌های کاربردی می‌انجامد که علاوه‌بر فرهنگ رسمی، فرهنگ غیررسمی را نیز دربرگیرد.

چیستان‌های محلی بخشی از ادبیات بومی مناطق مختلف ایران را تشکیل می‌دهند. در کنار چیستان‌های محلی، چیستان‌های ادبی نیز رواج داشته است. چیستان نوعی تفکن است که هم شکل ادبی دارد و هم شکل عامیانه. کارکرد اصلی آن سرگرم‌کنندگی است؛ اما جنبه‌های آموزشی و فرهنگی دیگری نیز دارد. این گونه در ادبیات محلی مناطق مختلف ایران با نام‌هایی مانند چیزچیزک، متلوکه، واگوشک، تشتانوک، چاچاک، چنچن، چوچه، چیچیکی، چاوچه، ماتال، مسئله، تاپماجالار و نظایر آن شناخته می‌شود. درباره این گونه، تاکنون در مناطق مختلف ایران و گونه‌های آن تحقیقی انجام نشده است. هدف این مقاله ضمن شکل‌شناسی چیستان، شناسایی گونه‌های محلی آن نیز است.

۲. پیشینه و روش تحقیق

در تمام کتاب‌های بلاغی، درباره این گونه - و نیز معما - ذیل صناعات معنوی مدخل‌ها و جستارهایی باز شده است. در فرهنگ عامه نیز ذیل کتاب‌های مردم‌نگاری بخش چیستان‌های محلی ضبط شده است. چندین مجموعه چیستان‌نامه نیز فراهم آمده است؛ مثل چیستان‌نامه دزفولی (امام اهوازی، ۱۳۷۹)، چیستان‌های هرمزگان (سعیدی، ۱۳۸۷) و چیستان‌ها (حیدریان، ۱۳۷۲). انجوی شیرازی (۱۳۸۴) در مقاله «ادب شفاهی و زبان‌آموزی به کودک در

فرهنگ مردم» به ابعاد تربیتی آن پرداخته و صوفی زاده (1994) به خصوصیت‌های آن (گاهنامه علمی و عاموی فرهنگ مردم تاجیکستان، دوشنبه). همچنین، قزل ایلاغ (1385) در راهنمای بازی‌های ایران، از منظر نوعی بازی به آن پرداخته و هاشمی (1391) کاربرد‌های چیستان را در برنامه‌سازی رادیویی نشان داده است.

با وجود این تحقیقات، گستره چیستان‌های منظوم در فرهنگ عامه و مناطق مختلف ایران شناخته‌شده نیست و جنبه تازگی این مقاله در کنار شکل‌شناسی آن، همین نکته است. روش تحقیق در حوزه تعریف‌های کتابخانه‌ای و در بخش گونه‌های محلی میدانی است.

3. تعریف و تسمیه چیستان

نویسنده *المعجم فی معایر اشعار العجم* در تعریف لُغز یا چیستان می‌نویسد:

لُغز آن است که معنی‌ای از معانی در کسوت عبارتی مشکل متشابه به طریق سؤال پرسند و از این جهت در خراسان آن را «چیست آن» خوانند. این صفت چون عذب و مطبوع افتاد و اوصاف آن از روی معنی با مقصود مناسبی دارد به حشو الفاظ دراز نگردد و از تشهات کاذب و استعارات بعید دور بود، پسندیده باشد و تشحیذ خاطر بشاید (شمس قیس، 1360:426).

کاشفی سبزواری در تعریف چیستان ویژگی‌های آن را روشن‌تر بیان می‌کند: «کلامی موزون است که دلالت کند بر عین شیئی از اشیاء، به ذکر خواص و لوازم و حصر صفات و سمات آن؛ دلالتی که در آن خفایتی باشد.» (1369:128). شمیسا با توجه به تعریف‌های قدما این تعریف امروزی و ساده را بیان می‌کند:

لُغز یا چیستان آن است که نام چیزی را پوشیده دارند، اما با ذکر اوصاف آن از شنونده بخواهند که نام آن چیست. در لُغز یا چیستان به جای ذکر اسم چیزی، اوصاف آن را بیان کنند و خواننده در ضمن آن اوصاف به مورد وصف بپی‌برد. لُغز ممکن است یک بیت یا یک شعر کامل باشد (1383:177).

به عبارتی، طراح چیستان می‌کوشد با توصیف‌های شاعرانه، اجزای عناصر حسی و مادی یک پدیده را مطرح کند یا با معرفی برخی ویژگی‌هایش، مخاطب را برای شناسایی آن به تلاش و تکاپوی فکری وادرد. امام اهوازی با نگاهی به ساختار چیستان، آن را چنین تعریف می‌کند: «چیستان نوعی بیان زبانی با یک یا چند عنصر وصفی است که مرجع درست وصفها

را می‌خواهد. اجزای عناصر و صفاتی برخی چیستان‌ها، گاه دو بدرو با یکدیگر در تقابل هستند.» (28:1383).

چیستان یا لُغَر در لغت به معنای سخن پوشیده است؛ زیرا این نوع سخن در زبان فارسی به صورت استفهامی بیان می‌شود و اغلب با کلمه مرکب «چیست آن» می‌آید که آن را در اصطلاح «چیستان» نامیده‌اند (داد، 1371:108)؛ مثال:

هرچه افتاد دهان بی‌دنداش	چیست انداد دهان بی‌دنداش
در زمان هر دو گوش تیز کند (پاسخ: قیچی)	چون زدی در دو چشم او انگشت
دلیل این نام گذاری هم این بوده که چیستان‌های منظوم اغلب با «چیست آن» آغاز می‌شده است؛ چیست آن درج زمردنگ ناپیدادهان یا چیست آن قصر بی در و روزن.	دلیل این نام گذاری هم این بوده که چیستان‌های منظوم اغلب با «چیست آن» آغاز می‌شده است؛ چیست آن درج زمردنگ ناپیدادهان یا چیست آن قصر بی در و روزن.

لُغَر در عربی به معنای سوراخ موش است. همچنین، ادعیه و ادعوه به معنای چیستان، و مداعات به معنای «چیستان‌گفتن» است. احتجیه مرادف ادعیه است و محاجات نیز همان چیستان است. این صنعت اگر با شیوه‌ای الفاظ و ابتكار معانی توأم باشد، پیش اهل ادب بسیار مهم، گران‌مایه و میدان هنرمنایی شاعران بزرگ است (همایی، 1361:335).

انجوی شیرازی در فرهنگ جهانگیری چیستان را همان لُغَر می‌داند و نام‌های پَرَدَک، چربَک و گردَک را برای آن ذکر می‌کند که به هندی پهیلی گویند. محمد پادشاه در فرهنگ آندرای چیستان، لُغَر و معما را چنین معنا می‌کند:

چیستان بر وزن سیستان به معنای پرسیدنی باشد؛ مثلاً «چیست آن قصر بی در و روزن» و آن را به تازی لُغَر و احتجیه گویند. لازم نیست که در اول آن چیست آن بوده باشد؛ بلکه به طریق سؤال نیز گفته می‌شود و آن را برد و بردک نیز گویند؛ یعنی پوشیده و در پرده و به ترکی بلهجه خوانند.

فرهنگ‌نویسان اسامی دیگری برای آن نوشته‌اند: احتجیه (پرسیدن)، اغلوطه، دیسان، الغاز، مخاببه، پُرد و آجاجه (ر.ک: لغت‌نامه دهخدا، ذیل «چیستان»).

گاهی چیستان را با معما یکی دانسته‌اند. در گذشته، معما را بهنوعی صفت بدیعی اطلاق می‌کردند که با چیستان کم و بیش تفاوت داشت. صاحب *المعجم* معما را «سمی یا معنایی» می‌داند که:

به نوعی غوامض حساب یا به چیزی از قلب و تصحیف و غیر آن از انواع تعمیت آن را پوشیده گرداند تا جز به اندیشه‌ای تمام و فکر بسیار به سر آن نتوان رسید و بر حقیقت آن اطلاع نتوان یافت (شمس قیس، 1360: 426).

پاسخ دادن به معما بهدلیل ساخت و ترکیب پیچیده و غامضش، بیش از لغز یا چیستان به اندیشیدن نیاز داشت؛ از این رو به تعبیر درست یوسفی، چیستان و معما از یک نوع‌اند، جز اینکه چیستان بیشتر به‌شکل پرسش طرح می‌شود. به‌ظاهر، چیستان که نخست صورتی به‌نسبت ساده و آسان فهم داشته، به تدریج دشوار و پیچیده شده و به صورت معما درآمده است. شاید هم چیستان و معما به‌موازات هم پدید آمده باشند؛ چنان‌که به‌موازات یکدیگر رواج داشته‌اند (یوسفی، 1372: 114). بین معما و چیستان تفاوت بسیار است. در معما به‌گونه‌ای حروف قافیه و صناعات شعری لازم نیست، معما همیشه پیچیده‌تر از چیستان است و به آگاهی‌های ژرف از شگردهای ادبی نیاز دارد؛ اما چیستان در عین سادگی پرسشی را بیان می‌کند (حیدریان، 1372: 117). مثال برای معما:

گر بخواهی نام آن زیبارخ سیمین بدن رو تو قلب قلب را بر قلب قلبِ قلب زن
مقلوب کلمه قلب که بلق است، چون بر مقلوب حرف وسط کلمه قلب یعنی لام که به حساب
ابجد سی و مقلوب آن یس است بپیوند، بلقیس می شود. در کتاب های سنتی معما را درشمار
صنایع بدیع معنوی آورده اند (همایی، ۱۳۶۱: 343).

4. تاریخچہ چستان

از فرهنگ ایران باستان چیستان‌هایی به صورت مکتوب به ما است؛ از جمله رساله‌ای به نام «یوشت فریان و اخت» مربوط به اوآخر دوره ساسانی. در این رساله، اخت جادوگر به بهانه سرکوب مردمان شهری که به گونه‌ای نمادین «شهر حل کننده معما» نامیده می‌شدند، چیستان‌هایی برای مردم مطرح می‌کرد و کسانی را که نمی‌توانستند پاسخ بگویند، می‌کشت. سرانجام، نوجوانی پانزده ساله به نام یوشت به چیستان‌های او پاسخ می‌دهد. نمونه‌هایی از چیستان‌های اخت به این شرح است: بهشت دنیا بهتر است یا بهشت مینو؟ کارد کوتاه بهتر است یا خورش اند؟ پر چیست؟ نیم پر چیست؟ چیست که هرگز پر نگردد؟ چه چیز است که مردم خواهند پنهان کنند و نتوانند؟ و... یوشت به همه این سوال‌ها پاسخ درست می‌دهد؛

اما از دانستن پاسخ چیستان آخری عاجز می‌ماند و بی‌آنکه به عجز خود اعتراف کند، به بهانه‌ای بیرون می‌رود و چون از ناهید مدد خواسته بود، پیک یزدان، فرشته نرسی، (تیریوسنگ) جواب چیستان را به او می‌آموزاند و او در آزمون پیروز می‌شود. در مقابل، یوشت سه سؤال از آخت می‌پرسد. آخت پاسخ این سؤال‌ها را نمی‌داند و به عجز خود اعتراف می‌کند و یوشت او را می‌کشد (شیوه‌ها به نقل از شعر، ۱۳۶۷).

چیستان از همان آغاز سرایش شعر فارسی و در دیوان عنصری و منوچهری با عنوان لغز و معما دیده می‌شود. منوچهری دامغانی نه به قصد چیستان‌سازی، بلکه با ایده گرفتن از چیستان، قصيدة معروف «لغز شمع» را سرود:

ای نهاده برمیان فرق جان خویشتن
جسم ما زنده به جان و جان تو زنده به تن
(دیوان، ۷۰)

چیستان و معما در دیوان اغلب شاعران دیده می‌شود؛ ولی ابن‌یمین بیش از همه به آن توجه داشت. در دوره صفویه، معماگویی چنان رواج یافت که شاعرانی با تخلص «معمایی» کتاب‌ها نوشتند (ر.ک: میرصادقی، ۱۳۷۳: ۲۴۷). گاه این شاعران معماگویی را بدانجا رساندند که جز شاعر کسی را یارای پاسخ نبود؛ از این‌رو استاد همایی (۱۳۶۳: ۳۴۳) معتقد است شاعرانی مدت دو سه قرن در این کار بیهوده عمرها تباہ کردند. در عهد تیموریان، معماسرایی چنان اوج گرفت که به نوشتۀ علیشر نوایی در *مجالسancaس*، در روزگار او (قرن نهم هجری) ۸۲ نفر معماسرای بودند که جز معماسرایی کاری نداشند و گروهی نیز چنان غرق این کار بودند که به معمایی معروف شدند؛ مثل میرحسین معمایی، شهاب‌الدین معمایی، مولانا محمد معمایی و دیگران. در این دوره تأثیفات زیادی درباره معما نوشته شد؛ چنان‌که فقط جامی هفت رساله در این باب نگاشت (هادی، ۱۳۸۸: ۳).

۵. نام چیستان در مناطق مختلف

چیستان‌های منظوم در هر نقطه از ایران و مناطق فارسی‌زبان به نامی خوانده می‌شود.

شماره	نام	منطقه	توضیح، منع	نمونه
.1	بر	میناب	(سعیدی، 1387:17)	
.2	تاپماجلار	آذربایجان	طرح چیستان به صورت دوره‌ای است؛ هر کس جواب چیستان را پیدا کند، چیستانی جدید می‌گوید (سفیدگر، 1385:52).	اووجوندا وار قارا خال، ساپلاغی گؤزى رنگى آل (پاسخ: لاله). ترجمه: کف دستش خال دارد / ساقه‌اش سبز است و خودش قرمز.
.3	تستانوک	کُردی کرمانجی	با جمله «مه و چیه؟» شروع می‌شود یا خاتمه می‌یابد.	
.4	چاچا	بلوچستان	بیشتر نام اشیاء و پدیده‌های طبیعی است (میربلوچزایی، 1382:150).	
.5	چاچاک	زادهان		چیزچیز: او مژنی مشکنَ و کوه مژنی نُشکن؟ (پاسخ: کاغذ) ترجمه: اون چیه به آب می‌زنی می‌شکند ولی به کوه میزنه نمی‌شکند؟
.6	چاچه	کرمانشاه	نوعی بازی است، یک نفر ویژگی‌های چیزی را بیان می‌کند و فرد مقابل باید نام آن را بگوید (قرل‌ایلان، 1379:460).	
.7	چنچن	فین بندر عباس		
.8	چنه چنه	بختیاری و ماشهر	(قبیری عدیوی، 1385:51)	چنه چنه؟ به روز اگرده گردنی، به شو اگرده گردنی. منادنی نداره گردنی؟ (پاسخ: آسیاب آبی)
.9	چوچه	ایلام		
.10	چی‌چی کا	هرمزگان		هشت پا و دو سر زمین آکنْ زیر و زیر.
.11	چی‌چیکی چیکی‌چیکی	لری		
.12	چیزچیزک	بیرجند	به اوچنیه و چنه (چیست) هم معروف است (زنگوبی، 1390).	چیزچیزک، چنه که به سنگ زند نشکند، به آب زند بشکند؟ (پاسخ: کاغذ)
.13	چیکه‌چیکه	لرستان	(درصای نورآبادی، 1372:125)	
.14	چی‌نچی‌نه	لرستان لکی	(شادابی، 1377:119)	مردم وری تن مپوشن برگی او برگ تن پوش‌ها و تنو جرگی (پاسخ: شمع). ترجمه: مردم بر تنشان لباس می‌پوشند اما تن پوش او عضوی از بدنش است.

	(صوفیزاده، ۳۶:۱۹۹۴)	بخارا	شگ / شُک می یافتنگی	.۱۵
شیده شیه اتاق شسته رفته، پُرش گل میخ کوفته.	(رسولی، ۲۵۹: ۱۳۷۸)	ملایر	شیده شیه	.۱۶
	(صوفیزاده، ۳۶:۱۹۹۴)	بدخشنان	غَسَك	.۱۷
حوض بلور دختر مست افتاد زمین و بشکست (پاسخ: آینه).	با جمله چی چیه آغاز می شود (همایونی، ۳۸۰: ۱۳۷۱).	سرورستان	فال گوشک	.۱۸
		هرات	قرضی	.۱۹
ایکی قولاق باشیندا، اون اوچ قوشاق بیلیندا، خلاقیت لر داشتیندا، شادی، خرم دیلیندا (پاسخ: دوتار).	ترکمن ها با این چیستانها مشاعره می کردند (دیه جی، ۹۴: ۱۳۷۹).	ترکمن ها	ماتال لار	.۲۰
		غزنی افغانستان	مانی	.۲۱
	(صوفیزاده، ۳۶:۱۹۹۴)	تاجیکان خجند و سمرقند	مَلَ / مَلِ می یافتنگی	.۲۲
		سورانی	متاوه	.۲۳
	(شرفکندي، ۸۲۲: ۱۳۶۹)	کردی	متله	.۲۴
سبک سختی که صد من بار داره خدش بی جان و بارش جان داره (پاسخ: نعل اسب).	معمولًا با جمله پرسشی (ای چیه، با اون چیه) شروع می شود.	هزاره بدخشنان	مسئله	.۲۵
	(جعفری قنواتی، ۱۳۹۲)	مازندران، کرمان، خور و بیلانگ و قم	معما	.۲۶
	(شرفکندي، ۸۲۲: ۱۳۶۹)	کردی	مملوک	.۲۷
آهو به چرا، بچه آهو به چرا آهو بچرید و بچرانید گله را آهو چو بدید آن سوار پله را آهو برمید و برمانید گله را (پاسخ: ستاره و ماه که با خورشید محظوظ شوند).	(پهروزی، ۱۲۹: ۱۳۷۷)	شیراز	واکوشک	.۲۸
	(صوفیزاده، ۳۶:۱۹۹۴)	کولاپ، غرم درواز، حصار	یافتنگ	.۲۹
سیاهه خوده قیر، سفیده خوده شیر، وی سر آغوز مانه، وی دم علم مانه (پاسخ: کشکرک / زاغی).	(خلعتبری، ۴۸: ۱۳۸۷)	تنکابن	یچی مجی	.۳۰

6. ویژگی‌های چیستان

1-6. نداشتن سازنده مشخص

چیستان‌ها از ادبیات شفاهی مردم سرچشم‌گرفته‌اند و سینه‌به‌سینه منتقل می‌شوند. سازندگان چیستان‌ها مانند گویندگان دیگر عناصر فرهنگ مردم، ناشناخته‌اند و مانند گونه‌های دیگر ادبیات شفاهی، خالقان گمنام دارند. سازندگان خوش‌ذوق این چیستان‌ها استعداد بسیار زیادی داشته‌اند تا جایی که به‌نظر می‌آید از فنون مختلف شاعری آگاه بوده‌اند؛ زیرا در برخی چیستان‌ها ایجاز، تصویرسازی، هماهنگی و بار عاطفی و فلسفی بسیار هنرمندانه به کار رفته است (احمدپناهی سمنانی، 1376: 144).

2-6. کوتاهی

چیستان‌ها اغلب یک یا دو و به‌ندرت چند گزاره خبری یا پرسشی کوتاه به نظم یا نثر هستند. بلندی آن جز آنکه موجب حشو و اطباب است، نقض غرض نیز هست؛ زیرا در کوتاه‌ترین گزاره باید به پاسخ رسید. ایجاز چیستان باعث می‌شود به مقولات ادبی نزدیک شود. در این چیستان به اختصار اطلاعات اولیه در اختیار پرسش‌شونده قرار می‌گیرد:

عجایب لعبتی زرد است و بی‌جان دو اسم زنده دارد از دو حیوان؟ (پاسخ: خربزه)

3-6. سادگی

چیستان‌ها ساختاری ساده دارند که با بهره‌گیری از عناصر پیرامونی و با توجه به اطلاعات پایه پرسش‌شونده ساخته می‌شوند: شاهی، سرراهمی؛ کلاهش محمل و تاجش طلایی.

4-6. روایت‌های مختلف

تنوع چیستان‌ها در مناطق مختلف و فرهنگ‌ها نشان از زنده بودن و کارکردهای زیاد این قالب دارد. برای یک موضوع یا مورد دهها چیستان در سراسر ایران ساخته شده که هریک به جزوی از اجرا و خواص آن اشاره دارد؛ درمثیل برای تخم مرغ این چیستان‌ها در مناطق مختلف ایران ساخته شده است:

فارسی: استخوانم نقره و انلر میان دارم طلا هر که این معنی بداند پیر استاد فن است
لری: هه کاکان رنگی، مه کاکان رنگی
حلقه داسیه دور دریا دورنگی
لکی: حونه [خانه] پاتشا، بی درز و دوز.
لکی: نه در دارد و نه گوشش، از میان دل می‌جوشد.
دارابی: سار قوطی، سalar قوطی، عسل و روغن توی یه قوطی. اون چی چیه که روش
نقرس، زیرش طلا؟

شیرازی: ننهام حقه‌ام داد، حقه سر نقره‌ام داد می‌توزم درش رو باز کنم، نمی‌توزم انو ببندم.
هزارهای: دی به دی یخ نمی‌زند، چله به دی یخ نمی‌زند، لب روشنی یخ می‌زنه؛ اشیشه و
مشیشه، آقا خوابیده دراز و باریک؛ کاسه چینی، آبش دورنگه، درون او پر از بچه!
حتی با یک ساخت برای هر چیستان روایت‌های متفاوتی در مناطق مختلف دیده می‌شود؛
مثل چیستان‌هایی که با یک ساخت برای انار ساخته‌اند:

روایت تهرانی: سه دکان دوش‌به‌دوش، اولی طاقچه‌فروش، دومی اطلسی‌فروش، سومی
مشک‌فروش.

روایت دامغانی: سه دکان تودرتو، اولی چرم‌فروش، دومی پرده‌فروش، سومی یاقوت‌فروش.
گاه همین چیستان را برای معرفی شیئی دیگر استفاده می‌کنند: دو دکان دوش‌به‌دوش، هر
دو تا نقره‌فروش (پاسخ: بینی).

روایت شیرازی: سه دکان توبه‌تو، اولی تافته‌فروش، دومی آرد‌فروش، سومی چوب‌فروش
(پاسخ: سنجد).

5-6. گوناگونی مخاطبان

چیستان‌ها را اغلب برای کودکان می‌سازند و گویا از ابتدا برای تشخیص ذهن و تربیت و
آموزش کودکان بنا شده است؛ اما در زمان‌های گوناگون در شب‌نشینی‌ها و جشن‌های
خانوادگی جزئی از سرگرمی‌های مردم بوده است؛ حتی در مجالس بزرگان و دربارها نیز
رواج داشته است.

6- همسویی با فرهنگ و اقلیم سازندگان

چیستان‌ها برخاسته از نگرش‌های اجتماعی و باورهای مردمی و قومی درباره پدیده‌های زندگانی شان است و رفتار مردم، آرزوها، اندیشه‌ها و خواسته‌های آنان را بازتاب می‌دهد. چیستان‌ها با توجه به طبیعت و فرهنگ مردم هر منطقه شکل گرفته است که مردم آن منطقه با آن سروکار دارند و کم‌ویش آن را می‌شناسند؛ برای مثال چیستان زرده، زردالونیم، گرم شفتالونیم، در باغ حسن خانم، خوراک بزرگانم، برای مردم مناطقی از خراسان جنوبی ملموس‌تر و آشناتر است تا مناطقی که با این ماده سروکار ندارند و از قرینه‌های زردی، گرمی، باغ حسن خان و خوراک بزرگان بودن، می‌توانند به‌آسانی آن را شناسایی کنند و بگویند «زعفران» است.

7- بازتولید شکل‌های تازه

در کنار چیستان‌های قدیم، چیستان‌های جدید تولید می‌شود:

بگو آن چیست از انواع بنشن
که فسفر دارد و سولفور و آهن
گهی تنها و با یک ذره روغن
گهی در آش و گاهی در برنج است

(پاسخ: عدس)

8- خلاقیت

چیستان‌ها خصلتی نوآورانه و آفرینشگر دارند و همان‌گونه که پاسخ به آن نیازمند اندیشه و نوآوری است، طراحی آن نیز خلاقیت می‌خواهد.

7. جنبه‌های ادبی چیستان

7-1. وزن

وزن چیستان‌های منظوم محلی اغلب عروضی است؛ مثل:

عجایب صنعتی دیدم در این دشت
که نر خوابیده بود و ماده می‌گشت
(پاسخ: دو سنگ آسیا)

جالب است که با همین وزن و شکل دهها چیستان ساخته شده است:

عجایب صنعتی دیدم در این دشت
که آتش در میان آب می‌گشت
(پاسخ: سماور)

عجایب صنعتی دیدم در این دشت
سرش را می‌بریدم زنده می‌گشت
(پاسخ: چراغی که با روغن کرچک می‌سوزد و سرفتیله‌اش را بر می‌دارند تا شعله‌اش زیاد شود.)

عجایب صنعتی دیدم در این دشت
که بی جان در پی جاندار می‌گشت
(پاسخ: گلوله تفنگ)

عجایب صنعتی دیدم در این پل
که آب در زیر آتش می‌زند قل
(پاسخ: قلیان)

عجایب صنعتی دیدم در این دشت
درخت پرگلی بی‌سایه می‌گشت
(پاسخ: آسمان)

گاه وزن چیستان‌ها هجایی است که با کشش در خواندن کامل می‌شود؛ مثل:
از اینجا تا به کاشان، همه فلفل پاشان
همه دستمال آبی، پر از سیب و گلابی
(پاسخ: آسمان پرستاره)

7-2. قالب

چیستان‌ها یا منظوم است یا متور و معمولاً عبارت‌های کوتاه، تک‌جمله‌ای یا چند‌جمله‌ای و تک‌بیتی یا دو‌بیتی است.

7-2-1. چیستان‌های متور

چیستان‌های تک‌پاره‌ای: اون چیه که همه دارن (پاسخ: نام).
چیستان‌های دوپاره‌ای: کاسه چینی، آبش دورنگه (پاسخ: تخم مرغ). سفره آبی، پر از گلابی
(پاسخ: آسمان و ستاره‌ها).

چیستان‌های چندپاره‌ای: زرد است، زردآلور نیست، گرد است گردو نیست. شیر است درزنه
نیست، شمشیر است برزنه نیست (پاسخ: سکه).

چیستان‌های زنجیره‌ای: گاه چیستان‌ها دنباله‌دارند و هر بار بر شکفتی پرسش‌شونده می‌افزایند:

آن کدام یک است که دو نمی‌شود؟ (پاسخ: خدا)

آن کدام دو است که سه نمی‌شود؟ (پاسخ: شب و روز)

آن کدام سه است که چهار نمی‌شود؟ (پاسخ: ماه‌های فصل و ضلع‌های مثلث)

آن کدام چهار است که پنج نمی‌شود؟ (پاسخ: چهار فصل)

آن کدام پنج است که شش نمی‌شود؟ (پاسخ: پنجه دست و پا)

آن کدام شش است که هفت نمی‌شود؟ (پاسخ: شش دانگ هر چیز)

آن کدام هفت است که هشت نمی‌شود؟ (پاسخ: هفت طبقه آسمان و ایام هفته)

آن کدام هشت است که نه نمی‌شود؟ (پاسخ: هشت پا)

آن کدام نه است که ده نمی‌شود؟ (پاسخ: اعداد یک رقمی)

آن کدام ده است که یازده نمی‌شود؟ (پاسخ: انگشتان دست و دهگان)

چیستان‌های داستانی: سؤال این چیستان‌ها در قالب قصه است. نمونه آن از ولایت فرخار افغانستان است که خلاصه‌اش چنین است:

ملا، نجار و خیاطی سفر می‌کردند. شب به دهی رسیدند و قرار شد یکی نگهبانی دهد.

قرعه به نام نجار افتاد و آن دو خوابیدند. چشم نجار به چوب بزرگی افتاد. پیش خود فکر کرد

با چوب یک دخترک بسیار زیبا بترشد تا خوابش نبرد. وقتی کارش تمام شد، خیاط را بیدار

کرد و خودش خوابید. خیاط دید دخترک چوبی نزدیکش ایستاده است. او هم برای آنکه

خوابش نبرد، پیراهنی دوخت و به تن دخترک کرد. سپس ملا را بیدار کرد و خودش خوابید.

ملا دید دخترک چوبی زیبایی جلویش ایستاده است. با خودش گفت: اگر جان می‌داشت

خوب بود. دعا کرد تا خداوند دخترک را زنده کرد. حال شما بگویید دختر از نجار میشه یا از

خیاط یا از ملا؟ (پاسین، 1370). هر کس باید با دلیل، تعلق دختر را به یکی از سه تن اثبات کند.

7-2-7. چیستان‌های منظوم

تک‌بیتی: از کوه به درآمد شاه غضینفر

چشمعون سیاه، دو گنده بر سر

(پاسخ: قوچ کوهی)

درخت بی‌گلی، پر میوه می‌گشت (پاسخ: انجیر)	عجایب صنعتی دیدم درین دشت ازکوه به درآمد شیر غران
زانو بزد و زمین بذران (پاسخ: صاعقه)	دویتی: عجایب صنعتی دیدم شترسُم کند غلغلن همان جایی که برپاست
سوار مرکب بی‌بال و بی‌دم ولی از جای خود، کم می‌خورد چم (پاسخ: سماور)	آن چه مرغی است تا اوج هوا رهسپر است؟ پرنیان پیکر و آهن دل و فولاد پر است؟ (پاسخ: هواپیما)

7-3. جنبه‌های بلاغی

ساختار چیستان‌ها به لحاظ ادبی، مملو از صناعات بدیعی و بیانی است:

تشبیه: تشیبهات عالی و ملموس اساس چیستان است:

سرخ و سبز و سپید پوشیده با دو صد احترام خوابیده؟ (پاسخ: پسته)	چیست آن لعبت پسندیده در میان دو کاسه چوبین
---	---

استعاره: چیستان‌ها در ذات خود برای داشتن ویژگی معماگونگی حاوی استعاره‌های دلنشیان اند: پیرمرد لرزان، به دور خود گردان (پاسخ: دوك). پیرمرد لرزان استعاره از دوك است که با یک نشانه معرفی می‌شود: به دور خود گردان بودن.

تکرار: در برخی چیستان‌ها بازی‌های زبانی، از جمله تکرار کلمات هم‌آوا و دشوار بر لطف آن می‌افزاید:

جعفری دیدم که بر جعفر نشست	جعفری می‌خورد و از جعفر گذشت
جعفر اول اسم خاص، جعفر دوم به معنای شتر ماده، جعفری هم به معنای سبزی خوردنی و جعفر چهارم به معنای پل است.	

تناقض: ساخت برخی چیستان‌ها با تناقض (بارادوکس) همراه است. گاه عناصر وصفی با یکدیگر ناسازگارند؛ برای مثال در چیستان سنگین است، وزن ندارد؛ رنگ ندارد؛ شیرین است، مزه

ناردن (پاسخ: خواب)، شش عنصر وصفی هست که عناصرشان با هم در تقابل و ناسازگارند؛ یعنی عناصر وصفی «وزن ندارد»، «ونگ ندارد» و «مزه ندارد» با «سنگین»، «ونگین» و «شیرین» در تقابل است؛ به این معنا که صفات «سنگینی»، «ونگینی» و «شیرینی» را رد و انکار می‌کنند.

8. انواع چیستان

8-1. ازنظر زبان و بیان

- چیستان‌های ادبی: شاعران آن‌ها را سروده‌اند، سپس سینه‌بهسینه به ما رسیده است. این چیستان‌ها نسبتاً پیچیده‌تر و فاخرتر از شکل عامیانه هستند و در قالب وزن‌های عروضی و به نظم سروده شده‌اند. چیستان‌های ادبی گاه چند بیت است و نسبت به شکل عامیانه بلندتر؛ مانند این بیت در «لغز شمع»:

خورشید عذار و سربالا باشد	آن چیست که در انجمنش جا باشد
این طرفه که بنشسته و برپا باشد	جانش نبود ولی بمیرد هر روز

(ملا احمد سراج سیزواری)

- چیستان‌های عامیانه و محلی: در فرهنگ مردم ریشه دارد و سینه‌بهسینه نقل شده، سپس به شعر درآمده است. این چیستان‌ها ساده، عامه‌فهم و کوتاه است. وزن آن نیز لزوماً عروضی نیست؛ مانند این چیستان بختیاری درباره لیمو: آن چیست هفت برادر در یک قبا، معجزه‌اش کار خدا؟ (حیدریان، 1372: 184).

8-2. به لحاظ ساختار

هر چیستان سه بخش دارد: یک یا چند موضوع، شرح یا تفسیر یا خبری درباره آن و پاسخ. در چیستان چهل تا عروس در یک خانه، چهل تا عروس «موضوع» و «تو یک خانه» خبر یا تفسیر آن است و «قوطی کبریت» پاسخش. پاسخ چیستان‌ها اغلب یک کلمه یا بهندرت همراه شرحی کوتاه است؛ مثل صبح چارپا، چاشت دوپا، عصری با سه‌پا راه میره (پاسخ: آدمیزاد). آدم در کودکی (صبح زندگی) با چهار دست و پا راه می‌رود، در میان‌سالی و جوانی روی دو پا و در پیری با عصا و دو پایش.

اما پاسخ بعضی چیستان‌های منظوم به نظم است:

بلعجاپها که من در کار بزدان دیده‌ام
در میان فندق دریایی عمان دیده‌ام
از دری دیدم به حقه همنشین بلبای
گرگ و بره هردو را همراه چوپان دیده‌ام
چارصد چاکر بدیدم با چهارصد چهل دیگر
جمله در فرمان به پای تخت سلطان دیده‌ام
کاسه‌ای دیدم نگون در کاسه چون کرد نگاه
هفت دریا منقسم در کاسه پنهان دیده‌ام
مردمان بینند روز روشنش شب‌های تار
من شب تاری میان روز روشن دیده‌ام
پاسخ: صد هزاران مرغ دیدم آشیانه بر غنچه‌ای
می‌پرید اندر هوا بی جسم و بی جان دیده‌ام
پاسخ: صد هزاران مرغ دیدم آشیانه بر غنچه‌ای

صورت چیستان‌ها (موضوع و شرح) به لحاظ ساختار دو دسته است:

- چیستان‌های سؤالی: جمله‌ای سؤالی است و در آغاز یا پایان آن واژه‌های پرسشی «آن چیست؟»، «آن چیه؟» یا مانند آن می‌آید؛ مثل:

آن چیست که دهن هزار دارد
در هر دهندو مار دارد
خاتونی نشسته در کنارش
آن همه دهن به کار دارد
آن چیست که خود ریس و خود بافاد جامه
خود جامه همی بافاد او باشد عریان؟
(پاسخ: دستگاه قالی‌بافی)
(پاسخ: عنکبوت)

- چیستان‌های خبری: جمله‌ای خبری هستند؛ مثل:
تخته سنگ کهربا، نه در زمین نه در هوا (پاسخ: دنبه میش)
از اون بالا می‌یک گله دختر! همه چادر سفید قوم کلانتر! (پاسخ: دسته کبوتر)

9. کارکردهای چیستان

چیستان‌ها کارکردها، نتایج و اهداف خاصی دارند:

1- 9. آموزشی و تربیتی

هدف سازندگان چیستان‌ها آشنایی مخاطبان با اشیای پیرامون بود و نیز برآن بودند با دادن برخی مشخصات، نکاتی از قبیل مطالب اجتماعی و خانوادگی را به شنوندگان القا کنند. تمام

همانگی‌ها و تناسب‌ها، تفاوت‌ها و ناسازگاری‌ها توجه پرسش‌شونده را به خود جلب می‌کند و غیرمستقیم آموزش می‌بیند یا مفاهیم را درونی می‌کند.

2-9. تحریک حس کنجکاوی

چیستان‌ها در حدت و تحریک ذهن بسیار مؤثرند. امروزه، از آن برای مسابقه هوش، تقویت حافظه، بالا بردن تمرکز و دقت حواس و افزایش اطلاعات عمومی استفاده می‌شود. در تمام تعریف‌ها نیز بر این کارکرد چیستان تأکید کرده و آن را موجب تیزی ذهن دانسته‌اند. جوامع چیستان‌ساز و چیستان‌گو سؤال‌مدار و اهل جست‌وجو و تحقیق‌اند.

3-9. ایجاد سرگرمی و بازی

در جوامعی که سرگرمی‌ها به کنش‌های کلامی منحصر می‌شد، چیستان‌گویی تفریحی سالم بود. چیستان یک نوع بازی هوشی است و یکی از سالم‌ترین راه‌ها برای گذراندن اوقات فراغت همه به خصوص کودکان به شمار می‌رود. بازی‌کنان می‌بایست با توجه به راهنمایی‌هایی که به آن‌ها می‌شود و با توجه به اشارات و کنایاتی که در متن چیستان ذکر می‌شود، جواب سؤال را بگویند (بهروزی، 1377:132).

چیستان در شب‌نشینی‌های خانوادگی شکل بازی دارد. در این بازی عده‌های دور یک نفر، مثلاً پدریزرنگ یا پدر یا فردی دیگر جمع می‌شوند. پرستنده با زمینه‌سازی و قول جایزه سؤال خود را طرح می‌کند. در این زمان، بچه‌ها سراپاگوش و دقت می‌شوند تا هرکس براساس تجربه‌های ذهنی و شناخت خود از پدیده‌های اطراف، پاسخ را زودتر بیابد. همه مخاطبان به تلاش و گفت‌وگو می‌پردازند. عده‌ای هم برای بیان نظر تازه می‌کوشند یا برای شنیدن نظر استاد و ختم کلام بی‌حواله‌گی نشان می‌دهند تا سرانجام یکی بگوید و جایزه را ببرد.

4-9. رقابت‌های مثبت و پرورش روحیه حاضر جوابی

امتیاز چیستان‌ها در مقایسه با دیگر عناصر فرهنگ مردم، در کارکرد آن‌هاست که گوینده می‌کوشد با ایجاد فضایی پرشور و نشاط، موضوعی را مطرح کند تا مخاطبان با اظهار نظرهای

مختلف، به نقطه قوت و پاسخ چیستان دست یابند. چیستان برای آزمایش طبع شعری نیز بود؛ چنان‌که رادویانی در ترجمان *البلاغه* به این موضوع اشاره کرده است: «دیگر از جمله صنعت لغز گفتن است و آن خوشیست بر امتحان طبع و آزمودن خاطر.» (1949: 189). شمس قیس هم ۱: ۴۲۷) بر این کارکرد تأکید دارد.

۵-۹. تبیین جهان‌بینی و گرایش‌های انسانی

چیستان‌ها که درواقع نمایانگر جهان‌بینی مردم هستند، دارای معانی متعدد و لطیفی‌اند و در آن‌ها از آرزوها، گرایش‌ها، افکار، آداب و رسوم و شیوه زندگی سخن رفته است؛ به‌ویژه برای تحریک ذوق و حس کنجکاوی کودکان بسیار مؤثر است و موجب تقویت هوش و استعداد می‌شود (احمدپناهی سمنانی، ۱۳۷۶: ۱۳۱).

۶-۹. آزمایش و سنجش هوش

پادشاهان کشورها با اعزام سفیران و فرستادگان مخصوص و پاسخ به معماها چیرگی علمی خود را نشان می‌دادند (عالی، ۱۹۰۰: ۶۲۲). در افسانه‌ها پاسخ دادن به چیستان و برندۀ شدن در آن چنان اهمیتی داشته است جان اشخاص زیادی را نجات دهد؛ گاهی به‌واسطه پاسخ دادن به معماهای پادشاهان به مقامی بالا یا ثروتی هنگفت دست می‌یافته‌اند و گاه دختر پادشاه شرط پذیرفتن خواستگارانش را پاسخ دادن به معماهایش قرار می‌داده است (هروزی، ۱۳۷۷: ۱۳۲)؛ برای نمونه داستان دختر شاه روس در هفت پیکر نظامی (۲۱۶- ۲۳۴) که خواستگار خود را با طرح معما به‌طریق آزمایش، از میان نیکنامان، هوشمندان، دلاوران و دانایان انتخاب می‌کند. در شاهنامه (۱/ ۱۷۶- ۱۸۶) هم آمده است منوچهر شاه شش چیستان از زال می‌پرسد و او به همه آن‌ها جواب درست می‌دهد و بر موبدان و شاه مسلم می‌شود که از هوش سرشاری برخوردار است.

۱۰. محتوای چیستان‌ها

چیستان‌ها از نظر جنس، ماده و مفهوم مورد سؤال، در شش گروه پدیده‌های طبیعی، جانداران، بی‌جان‌ها، رستنی‌ها (درختان، گیاهان و میوه‌ها)، مضامین انتزاعی و مضامین دینی جای می‌گیرند.

10-1. پدیده‌های طبیعی

در این نوع چیستان‌ها، گوینده می‌کوشد مشخصات دور و نزدیک عناصر طبیعت را بپرسد. گویا پرسندگان در قالب چیستان و بازی با موضوع آفتاب، زمین، مهتاب، ستارگان، آب، هوا و دیگر مظاهر آفرینش قصد رازگشایی از تاریخ پیدایش انسان و هستی را دارند؛ از این حیث و به گونه‌ای دیگر، چیستان همان ماهیت اسطوره را در خود دارد.

آن جسم عجیب چیست که بر چرخ پلید است
گهی پرده ماه است و گهی حاجب خورشید
(پاسخ: ابر)

آن چیست که گر آب بنوشد
باید ز جهان چشم بپوشد؟

(پاسخ: آتش)

عجبایب صنعتی دیدم در این دشت
که بی جان و رُدِ جاندار می‌گشت
(پاسخ: سایه انسان)

قالی خود بافته، گل به گل انداخته
قدرت پروردگار، بین که چه سان ساخته
(پاسخ: آسمان پرستاره)

عجبایب صنعتی دیدم در این دشت
درخت پرگلی بی سایه می‌گشت
(پاسخ: آسمان پرستاره)

عجبایب جنگلی بی پایه دیدم
دوتا سوداگر بی مایه دیدم
(پاسخ: آسمان و ماه و خورشید)

آن چیست که پیک عاشقان است
مشاطه به زلف دلبران است
خندیدن گل به بوسه اوست
رقص چمن از نوازش اوست
(پاسخ: نسیم)

10-2. جانداران

شامل نام، رفتار و اعضای جانداران اعم از انسان و حیوان است:

کوزه بزرگ پنج منی تکیه مکن که می‌شکنی

تکیه کردن ضرر داره	خلق خدا خبر داره، چنیه؟
(پاسخ: زن حامله)	اسبی دارم ابوالغازی زین و رکاب شیرازی
اگر کنی با او بازی، آه و فغان ورلانازی او چنیه؟	(پاسخ: مار)
درش قفل و کلیدش کس ندیده	عجایب صنعتی دیدم به دیده
(پاسخ: بچه در شکم مادر)	شیرپانگ بی دم، نه جو خورد نه گندم، گشت زند بیابان، نفع دهد به مردم (پاسخ: زنبور عسل).

3-10. بی جانها

به معرفی مکان‌ها، خوارک، پوشک، اشیاء و ابزار می‌پردازد:	
چیست آن مرغ آتشین منقار	که ندارد به آشیانه قرار
شب و روز، اندر آب می‌گوید	ربنا و قنا عناب النار
رنگ سفید صخره‌ها، آید میان سفره‌ها	هرکس نداند نام او، مزه ندارد کام او
بلیل این باغم و این باغ گلزار من است	مرغ آتشخواره‌ام پرسوختن کار من است
استخوانم نقره و اندر جگر دارم طلا، هر که این معنی بداند پیر و استاد من است (پاسخ: شمع).	آن چیست که گر آب بنوشد
عجایب صنعتی دیدم در این دشت	باید ز جهان چشم بپوشد
که می‌نالید و می‌غیرید و می‌گشت؟	(پاسخ: آسیاب)
نوعروسی به ناز بسته میان	که نه دست داره نه پای روان
وقت زایینش چنان زند شیشه	که صدایش رود به کوهستان
بچه او بود چنان افعی	که به هرکس خورد، ستاند جان
(پاسخ: تفنگ)	

<p>سرش در آب و دبالش در آتش سپس بیرون دهد ماه منقش</p> <p>(پاسخ: حمام)</p> <p>گاه بی تاج است و گاهی تاج شاهی بر سر است گاهی از نافش روان آینی چو آب کوثر است</p> <p>(پاسخ: سماور)</p> <p>سرش را می‌بریاند زنده می‌گشت</p> <p>(پاسخ: قلم)</p> <p>گر به دست شاه افتاد باج هفت کشور خورد گر ز راه رفتن بیفتند خنجری بر سر خورد؟</p> <p>(پاسخ: قلم نی)</p> <p>که آب در زیر آتش می‌زنند قل</p> <p>(پاسخ: قلیان)</p> <p>گر آب‌تنی کنند تنش آب شود چون سرد شود زندگی از سر گیرد</p> <p>(پاسخ: یخ)</p> <p>که بیجان بر رد جاندار می‌گشت</p> <p>(پاسخ: آساک کشاورز)</p> <p>نهنگ آدمی خوار دهن کش به یک دم می‌خورد صد آدمی را</p> <p>(پاسخ: حمام‌های قدیمی)</p>	<p>عجبایب صنعتی دیدم در این دش به یک دم می‌خورد صد آدمی را</p> <p>آن چه شاهی است که دائم در میان لشکر است</p> <p>چار پا دارد و دو دستش همیشه بر کمر است</p> <p>عجبایب صنعتی دیدم در این دشت</p> <p>آن چیست بر لب دریا که آن را خر خورد می‌رود راه سفید و می‌ریزد خون سیاه</p> <p>عجبایب خلاقتی دیدم درین بل</p> <p>آن چیست که دو فصل کمیاب شود چون گرم شود گریه کنند تا میرد</p> <p>عجبایب صنعتی دیدم در این دشت</p> <p>عجبایب صنعتی دیدم در این دش به یک دم می‌خورد صد آدمی را</p>
--	---

که از آن می‌خورند دشمن و دوست	چیست آن دانه‌های بی‌پروپوست
او در آب است و آب دشمن اوست	خواهی که بشناسی او را ای دانا
(پاسخ: نمک)	
که نر خوابیله بود و ماده می‌گشت	عجایب صنعتی دیدم در این دشت

(پاسخ: آسیاب دستی)

۱۰. رستنی‌ها (درختان، گیاهان و میوه‌ها)

انواع گیاهان، درختان، بوته‌ها و میوه‌ها و خواص و ویژگی‌های آنها را معرفی می‌کند:

سرخ و سبز و سپید پوشیده	چیست آن لعبت پسنده‌یاده
با دوصد احترام خوابیله	در میان دو کاسه چوبین
(پاسخ: پسته)	
گرد است و دراز و در ندارد	آن چیست که پا و سر ندارد
جز نام دو جانور ندارد	اندر شکمش ستارگان اند
(پاسخ: خربزه)	
در فصل زمستانم، در باغ بزرگانم	زردم نه زردآلو، شفتم نه شفتالو
(پاسخ: زعفران)	
در زیر زمین نشسته جایی دارد	آن چیست که برگ و ساقه‌هایی دارد
از ریشه خود عجب عصایی دارد	گرد است و گلوره (گرد)، تاجی بر سر
(پاسخ: چغندر)	
کلید آهنی قفلش گشاید	کدامین گنبد است که در ندارد
که هر بچه دوصد مادر بزاید	هزاران بچه دارد در شکم بیش
(پاسخ: هندوانه)	
که هرچه می‌بریدند زنده می‌گشت	عجایب سبزکی دیدم در این دشت
(پاسخ: یونجه)	
رنگ از رخ عاشقان مسکین دارد	آن چیست که بو از گل نسرین دارد

بالای قبا جبهه پشمین دارد	پوشیده قبای زرد اندر بر خویش
(پاسخ: به)	
که بودش بوته‌ای، بالاش صد پر	عجایب صنعتی دیدم درین بَر
غلام او شود پور سکندر	هرآن کس نام او را تنگ گوید
(پاسخ: سپند)	
به چهار باغت بیایم مثل بلبل	خودت گل، مادرت گل، خواهرت گل
عجب بوری خوشی داری تو ای گل	به چهار باغت بیایم گل بچینم
(پاسخ: قلم فر)	

5-10. مضامین انتزاعی

اون چیه که همیشه پیش روی ماست ولی او را نمی‌بینیم (پاسخ: آینده).

اون چیه که زودتر از شوما داخل اتاق میشه (پاسخ: سلام).

اون چیه که از عسل هم شیرین تره (پاسخ: محبت).

6-10. مفاهیم و موضوعات دینی

چهار باغ و چهار تاغ و چهار ایوان بر سرش هرکه این معنی بداند پیر استاد من است

(پاسخ: دوازده‌امام)

11. نتیجه

1. چیستان‌های محلی جزئی از ادب عامه است که در مناطق مختلف ایران با نام‌هایی مانند چیزچیزک، متلوک، واگوشک، تشتانوک، چاچاک، چنچن، چوچه، چی‌چی‌کی، چاوچه، ماتال، مسئله، تاپماجالار و مانند آن شناخته می‌شود. در ادب رسمی، با نام لغز و معما در آثار شاعران نمود یافته است. چیستان و معما از یک نوع‌اند، جز اینکه چیستان بیشتر به شکل پرسش طرح می‌شود. چیستان چون به صورت استفهامی بیان می‌شود و بیشتر با کلمه مرکب «چیست آن» می‌آید، آن را در اصطلاح «چیستان» نامیده‌اند.

۲. ویژگی‌های چیستان‌ها عبارت‌اند از: نداشتن سازنده مشخص، کوتاهی، سادگی، روایت‌های مختلف، گوناگونی مخاطبان، همسویی با فرهنگ و اقلیم سازندگان، و بازتولید شکل‌های تازه همراه با نوآوری. طراح چیستان می‌کوشد با توصیف‌های شاعرانه، اجزای عناصر حسی و مادی یک پدیده را مطرح کند یا با معرفی برخی ویژگی‌هایش، مخاطب را برای شناسایی آن به تلاش و تکاپوی فکری وادارد.

۳. وزن چیستان‌های منظوم محلی اغلب عروضی است و گاه هجایی که با کشش در خواندن کامل می‌شود. قالب چیستان‌ها یا منظوم است، یا منثور. چیستان منثور معمولاً عبارت‌های کوتاه، تک‌جمله‌ای یا چندجمله‌ای، تک‌بیتی یا دوبیتی، زنجیره‌ای و داستانی است. چیستان منظوم نیز یا تک‌بیتی است، یا دوبیتی. ساختار چیستان‌ها به لحاظ ادبی، سرشار از صناعات بدیعی و بیانی مانند تشیبهات عالی و ملموس و استعاره‌های دلنشین است. در برخی چیستان‌ها، بازی‌های زیانی از جمله تکرار کلمات هم‌آوا و دشوار بر لطف آن می‌افزاید. ساخت برخی چیستان‌ها توأم با تناقض (پارادوکس) است.

۴. چیستان‌ها از نظر زبان و بیان به چیستان‌های ادبی و عامیانه و محلی تقسیم می‌شود. به لحاظ ساختار، هر چیستان سه بخش دارد: یک یا چند موضوع، شرح یا تفسیر و خبری درباره آن، و پاسخ. پاسخ چیستان‌ها اغلب یک کلمه یا به ندرت همراه شرحی کوتاه است. صورت چیستان‌ها (شامل موضوع و شرح) به لحاظ ساختار دو دسته‌اند: چیستان‌های سؤالی و خبری.

۵. چیستان‌ها کارکردها، نتایج و اهداف خاصی دارند؛ از جمله آموزشی و تربیتی، تحریک حس کنچکاوی، ایجاد سرگرمی و بازی، رقابت‌های مثبت و پرورش روحیه حاضر‌جوابی، تبیین جهان‌بینی و گرایش‌های انسانی، و آزمایش و سنجش هوش.

۶. محتوای چیستان‌ها از نظر جنس، ماده و مفهوم مورد سوال، در پنج گروه طبقه‌بندی می‌شود: پدیده‌های طبیعی، جانداران، بی‌جان‌ها، رستنی‌ها (درختان، گیاهان و میوه‌ها)، مضامین انتزاعی و مضامین دینی.

منابع

- احمدپناهی سمنانی، محمد (۱۳۷۶). ترانه و ترانه‌سرایی در ایران. تهران: سروش.
- اسفندیارپور، هوشمند (۱۳۸۳). عروسان سخن. تهران: فردوس.

- امام اهوازی، محمدعلی (1379). چیستان‌نامه دزفولی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- انجوی شیرازی، سیدابوالقاسم (1384). «ادب شفاهی و زبان‌آموزی به کودک در فرهنگ مردم». فرهنگ مردم، ش 12-13. صص 62-73.
- بهروزی، محمدجواد (1377). چیستان در ادب فارسی. شیراز: کانون تربیت شیراز.
- ثعالبی مرغنى، حسين (1900). غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم. به کوشش زنبرگ. پاریس.
- جعفری قنواتی، محمد (1392). دانشنامه فرهنگ مردم ایران. ج 1. مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. ادبیات شفاهی.
- حیدریان، محمد (1372). چیستان‌ها. مشهد: نوند.
- خلعتبری، مصطفی (1387). فرهنگ مردم تنکابن. تهران: پازینه.
- داد، سیما (1371). فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: مروارید.
- دیه‌جی، عبدالرحمن (1379). مقدمه‌ای بر ادبیات عامه ترکمن. تهران: پژوهندۀ.
- رادویانی، محمدبن عمر (1949). ترجمان‌البلاغه. به‌اهتمام احمد آتش. استانبول: چاپخانه ابراهیم.
- رسولی، غلامحسین (1378). پژوهش در فرهنگ مردم پیرسواران (ملایر). تهران: نشر بلخ.
- رضایی نورآبادی، علی‌عباس (1372). فرهنگ عامه لک. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- زنگوبی، عبدالحمید (1390). چیستان بیرجنندی. [منتشرنشده]
- سعیدی، سهراب (1387). چیستان‌های هرمزگان. قم: دارالتفسیر.
- سفیدگر شهانقی، حمید (1385). «ساختارشناسی فولکلور کودکان آذربایجان». نجوای فرهنگ. ش 1. صص 41-57.
- شادابی، سعید (1377). فرهنگ مردم لرستان. خرم‌آباد: افلاک.
- شرفکنندی، عبدالرحمان (1369). فرهنگ کردی فارسی. تهران: سروش.
- شعور، اسدالله (1367). چیستان‌های شفاهی دری. کابل: ریاست نشرات و اقوام و قبایل.
- شمس قیس رازی، محمد (1360). المعجم فی معايير اشعار العجم. تصحیح محمدبن عبدالوهاب قزوینی. ج 3. تهران: زوار.

- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳). نگاهی تازه به بدیع. تهران: میرا.
- صوفیزاده، اسدالله (۱۳۷۳/۱۹۹۴). «چیستان و خصوصیت‌های آن». نشریه مردم‌گیاه (گاهنامه علمی و عاموی فرهنگ مردم تاجیکستان). س. ۱. ش. ۱. تاجیکستان: دوشنبه.
- قزل‌ایلاغ، ثریا (۱۳۷۹). راهنمای بازی‌های ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۸۵). گفت‌ولفت. شهر کرد: نیوشه.
- کاشفی سبزواری، کمال الدین حسین (۱۳۶۹). بداعلafکار فی صنایع الاشعار. تهران: نشر مرکز.
- میربلوچزایی، اسحق (۱۳۸۲). فرهنگ عامه مردم سراوان و بلوجستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- میرصادقی، میمنت (۱۳۷۳). واژه‌نامه هنر شاعری. تهران: کتاب مهناز.
- هادی، روح‌الله (۱۳۸۹). «چیستان» در دانشنامه ادب فارسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- هاشمی، سیدعلیرضا (۱۳۹۱). «چیستان و کاربردهای آن در برنامه‌سازی رادیویی». فرهنگ مردم ایران. ویژه برنامه‌سازی رادیویی و تلویزیونی. ش. ۳۰. صص ۲۱۷ - ۲۳۹.
- هاشمی، سیدعلیرضا (۱۳۹۰). چیستان؛ مقبول دیروز، مغفول امروز. تهران: سروش.
- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۳). مدارج البلاعه. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- همایی، جلال الدین (۱۳۶۱). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: توسع.
- همایونی، صادق (۱۳۷۱). ملک عبیرآمیز (فرهنگ مردم فارس - سروستان). آستان قدس: به نشر.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۲). برگ‌هایی در آغوش باد. چ. ۲. تهران: علمی.
- یاسین (فرخاری)، احمد (۱۳۷۰). «سیری در ادبیات فولکلور افغانستان». مجله (خپلواکی) ارگان نشراتی انجمن نویسنده‌گان افغانستان آزاد. س. ۶. ش. ۵. پاکستان، پشاور.